

دکتر سوسن سیف

عوامل مؤثر خانوادگی در بزهکاری نوجوانان

مقدمه

جوانان، جمعیت معتابیهی را در سطح جهان تشکیل می‌دهند. تخمین زده شده است که در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰، افراد گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله از ۴۱۹ میلیون نفر به ۱,۲۸۰,۰۰۰,۰۰۰ بالغ خواهد گردید.^۱ بیشترین رقم از این تعداد در جهان سوم هستند. در کشور ما، ایران حدود $\frac{1}{4}$ جمعیت را تشکیل می‌دهند.

نمی‌توان این جمعیت فعال را نادیده گرفت.

از طرف دیگر، خانواده اولین نهادی است که در آن کودک دیروز و نوجوان امروز، به تدریج با هنجارهای گروهی جامعه هم‌نوا می‌گردد.

خانواده و وظیفه اجتماعی کردن به مفهوم انتقال افکار و ارزشها و مفاهیم عمیق اجتماعی به فرزندان را برعهده دارد.

در این تحقیق، به بررسی عوامل مؤثر خانوادگی در بزهکاری نوجوانان، می‌پردازیم.

اما قبل از همه چیز، ابتدا بزه و بزهکاری تعریف شده‌است و سپس به علت شناسی آن پرداخته‌ایم و از همه مهمتر به عوامل مؤثر خانوادگی اشاره شده‌است و اساس تحقیق، همان محور خانواده است که پس از در نظر گرفته شدن فرضیه‌های تحقیق، به بررسی موضوع بزه، پرداخته‌ایم. از طرف دیگر ضرورت انجام این تحقیق، بررسی مشکلاتی است که موجبات ناراحتی و نابسامانی اجتماع را فراهم آورده، سلامت و امنیت آن را به مخاطره انداخته و حتی موجودیت جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد.

در واقع بررسیها نشان می‌دهند که مجرمین بزرگسال همان بزهکاران جوان و نوجوان هستند که انحرافات دوره نوجوانی آنها ادامه یافته‌است و اما هدف از انجام این تحقیق، شناخت ویژگیهای خانوادگی نوجوانان بزهکار در تهران و نیز بررسی علل بزهکاری آنان است.

پیش‌گفتار

جرم‌شناسی از یونان آغاز شد، اگرچه پیدایش آن به غارها و مقبره‌های مصر نیز برمی‌گردد که جملات موجود در آنها حکایت از نافرمانی نوجوانان در آن زمان داشته‌است، اما جهره علمی و مدون آن بین سالهای ۱۸۶۵ - ۱۸۴۰ در سایه روان‌پزشکی به وجود آمد.

به نظر می‌رسد اصطلاح «جرایم کودکان» یا بزهکاری نوجوانان در سال ۱۸۱۵ برای اولین بار در انگلستان به کار رفته‌است، زیرا درست یک سال قبل از آن تاریخ، ۵ کودک ۸ الی ۱۲ ساله توسط محکمه‌ای در لندن محکوم به مرگ شده بودند.

مجموعاً، مسئله مهم این است که بررسی علمی بزهکاری، سالهاست که مورد توجه دانشمندان قرار گرفته‌است.

متخصصان رشته‌های مختلف خاصه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، پزشکان، حقوقدانان و مربیان هر یک از دریچه‌ای به بررسی این مسئله همّت گمارده‌اند.

حاصل این کوششها و تلاشها اگر از یک سو کمک به روشن کردن این مسئله است، از سوی دیگر نشان‌دهنده پیچیدگیها و معضلات شناخت اعمالی است که با عناوین و اصطلاحات حقوقی مشخص می‌شوند ولی بر اثر عوامل گوناگون بروز می‌کنند و از انگیزه‌های متفاوت و هنوز در بسیاری از موارد ناشناخته، سرچشمه می‌گیرند.

جنایتکاری و بزهکاری از نظر حقوقی دارای مفاهیم روشن و معینی هستند و در واقع قوانین آنها را دقیقاً تعریف می‌کنند. به همین دلیل است که مایکل^۱ و م. ج. آدلر^۲ در سال ۱۹۳۳ اعلام داشته‌اند که قانون جزائی علت صوری جنایت است و اگر قوانین وجود نداشتند جنایت نیز خودبه‌خود از بین می‌رفت.

1. Micheal

2. M. J. Adler

رابین^۱ نیز در ۱۹۴۹ نوشته است که: «بزهکاری آن چیزی است که قانون می‌گوید چیست.» در مجموع، طبق تعریف اقدام به عملی که برخلاف موازین، مقررات و قوانین و معیارها و ارزشهای فرهنگی هر جامعه باشد، بزهکاری و جرم تلقی می‌شود و کسانی که مرتکب چنین اعمال خلافی می‌گردند مجرم یا بزهکار خوانده می‌شوند.

بین جنایتکاری و بزهکاری از لحاظ معنی و مفهوم تفاوتی نیست. فقط تفاوت در این است که بزهکاری به ارتکاب جرمهایی اطلاق می‌گردد که کمتر از سن معینی به وقوع پیوسته‌اند. تعیین میزان این سن به دست قانون است و برحسب جوامع مختلف، متفاوت می‌باشد.

تفاوت در تعریف بزهکاری و تعیین حد و مرز آن از سوی قانونهای مختلف، به صورتی زیاد است که نحوه برخورد با آن را نیز متفاوت می‌نماید یعنی در بسیاری از موارد، پاره‌ای از عوامل فردی و اجتماعی که به خودی خود نه جنبه مرضی و نه جنبه اختصاصی دارند، فرد را از لحاظ حقوقی در کفه بزهکاران قرار می‌دهند و حال آن که همین فرد از نظر روانی با فرد دیگری که در چنگال قانون گرفتار نیامده است، تفاوتی ندارد.

البته به همین دلایل است که حداقل سن بزهکاری در جوامع مختلف فرق می‌کند مثلاً حداقل سن در آمریکا ۷ سالگی، در انگلستان ۱۰ سالگی، یونان ۱۲ سالگی، فرانسه و لهستان ۱۳ سالگی، اتریش، آلمان، ایتالیا، بلژیک و یوگسلاوی ۱۴ سالگی است.

در ایران نیز حداقل سن بزهکاری در اصفهان ۱۲ سالگی و در کانونهای اصلاح و تربیت تهران و مشهد، ۱۰ سالگی، عنوان شده است.

نوع بزه نیز در جوامع مختلف متفاوت است. در قاهره جمع کردن ته‌سیگار، بزه محسوب می‌شود.

از جمله خطاها در شهرهای لوک‌نو و کپپور هند، ولگردی نوجوانان است، در هنگ‌کنگ دست‌فروشی و دوره‌گردی بدون داشتن اجازه رسمی، بزهکاری است. تحقیقات انجام شده در زمینه بزهکاری در اروپا و آمریکا، دارای ارزشهای علمی نسبتاً زیادی است.

برعکس نوجوانان که کنترل بیش از حد عاطفی آنان می‌تواند مشکل‌آفرین باشد، سایرین از روی انگیزه آنی و بدون فکر در برابر هرگونه تحریک محیطی - عاطفی، شدیداً عکس‌العمل نشان می‌دهند و چنین به نظر می‌رسد که تغییر دادن شدت عکس‌العمل آنها مقدور نباشد.

یک تحقیق، در سطح ملی در کشور آمریکا، ۱۰٪ از نوجوانان پسر و دختر را بزهکار و متخلف جدی قلمداد کرده‌است.

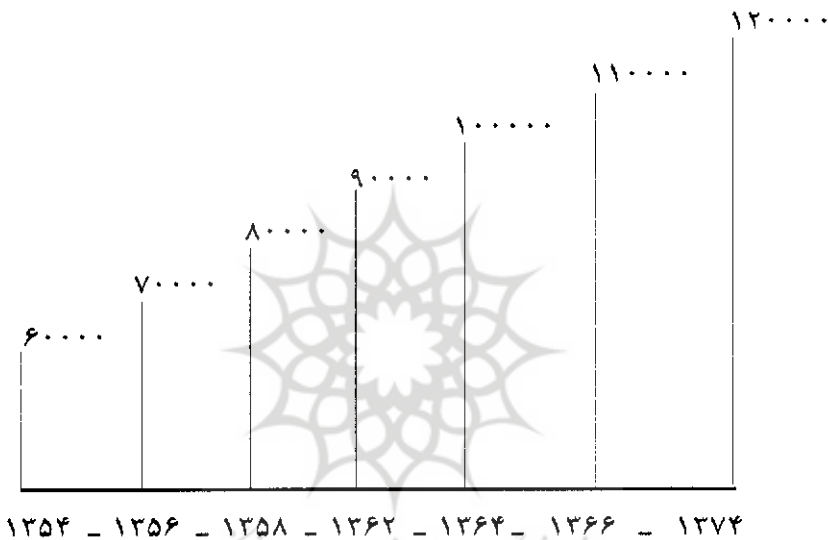
گاهی اوقات این نوجوانان قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی در یک دوره یکساله، ۳ مرتبه یا بیشتر مرتکب اعمال بزهکارانه شده‌اند که البته پسران بیش از دختران مرتکب جنایت شده‌اند و اعمال جنایی آنان نیز شدیدتر بوده‌است.

مک کورد (Mccord) در سال ۱۹۹۰ در یک تحقیق نشان می‌دهد که تعداد ۱۶٪ از دستگیرشدگان در آمریکا شامل افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله بوده‌است و ۲۹٪ از این گروه به جنایاتی شدیدتر از قبیل: دزدی موتورسیکلت، آتش‌سوزی، راهزنی و جنایت اقدام ورزیده‌اند. (منبع: مرکز آمار ایالات متحده ۱۹۹۴).

چون تعداد زیادی از افراد در حال حاضر اقدام به حمل اسلحه بخصوص چاقو و تفنگ می‌کنند، جای تعجب است که آیا کسانی که اقدام به چنین اعمالی می‌کنند صرفاً دارای انگیزه‌های دفاع از خود هستند و یا اسلحه بخشی از انگیزه‌های پرخاشگری است. (وبستر و همکاران ۱۹۹۳ Webster Etal).

بیش از ۸۰٪ از جوانان امریکایی درگیر با نوعی رفتار بزه‌کاری در طول سنین ۱۲ تا ۱۹ سالگی (Teenagers) می‌باشند.^۱

گزارشی توسط نمایندگان مجلس آمریکا درباره آمار نوجوانانی که در توقیف به‌سر می‌برند از سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ تحت عنوان: «مکانی که بتوان آن را خانه نامید وجود ندارد» به‌شرح زیر منتشر گردیده‌است:^۲



گزارش کمیته انتخابی درباره کودکان، نوجوانان و خانواده‌های امریکایی تهیه شده‌است.

این گزارش نشان می‌دهد که تعداد نوجوانانی که در توقیف به‌سر می‌برند از ۷۴۲۷۰ نفر در سال ۱۹۷۵ به ۹۱۶۴۶ نفر در سال ۱۹۸۷ افزایش یافته‌است.

در این سال ۶۰٪ نوجوانان بزه‌کار از ۱۵ تا ۱۷ ساله بوده‌اند و ۲۱٪ از آنان پایینتر از ۱۵ سال (احتمالاً ۷۹٪ بزه‌کاران پسر و ۲۱٪ آنان دختر بوده‌اند) قرار

۱- منبع کتاب: کودکی و نوجوانی، نیومن و نیومن (1997 Newmen and Newman) (childhood and Adolescent, P. 654)

۲- منبع: (ادوارد، اف، زیگلر، تیامین استیونسن ۱۹۹۳)

گرفته‌اند، همچنین ۵۲٪ از کل بزه‌کاران سفیدپوست و ۳۴٪ سیاه‌پوست و ۱۲٪ اسپانیایی‌نژاد بوده‌اند.^۱

گزارشی که توسط کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۰ انتشار یافته نشان می‌دهد که تجارت مواد مخدر کمک شایانی به بزهکاری افراد جوان نموده و در سرتاسر آمریکا گروه‌های کانگستر به وجود آمده‌است، در این گزارش اضافه شده‌است که در گذشته جنگ این گروه‌ها شامل برخوردهای خیابانی بوده‌است ولی امروزه این گروه‌ها از سلاح‌های اتمی در پرتاب نارنجک استفاده می‌کنند.^۲

برابر آمار دفتر مرکزی تحقیقات آمریکا (FBI) در سال ۱۹۹۱ (Bureau of Investigation Federal

بزهکاری نوجوانان آمریکایی از سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۸ به شرح زیر بوده‌است:
ورود به خانه برای دزدی، سرقت مسلحانه، ماشین - ایجاد حریق



جدول فوق روند شرح دستگیری نوجوانان ۱۸ ساله را نشان می‌دهد که مرتکب

۱- منبع: توماس (Thomas) ۱۹۸۹.

۲- منبع: مجلس آمریکا ۱۹۹۰.

تخلفتاسی از قبیل ورود به خانه برای دزدی، سرقت مسلحانه، دزدی اتومبیل، ایجاد حریق امثال آن بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۸ شده‌اند.^۱

در ایران طبق تحقیقات ارائه شده در سال ۱۳۷۶، در کانون اصلاح و تربیت تهران، ۸۷۲ نفر وارد کانون اصلاح و تربیت شده‌اند که سهم تابستان ۵۴٪ و سهم بهار ۴۶٪ از این تعداد می‌باشد.

ورودی روزانه به‌طور متوسط ۴/۷ نفر است، میانگین سن وارد شدگان حدود ۱۶ سال و در دامنه سن ۸ تا ۱۸ سال است.

و هر روز به‌طور متوسط بیش از ۴/۷ فقره جرم توسط این کودکان و نوجوانان در تهران به‌وقوع پیوسته‌است.

در کل ۴۶٪ (۲۲۵ فقره) از تمام جرایم به‌دست وارد شدگان در سنین ۱۷ و ۱۸ سالگی، ۳۳٪ (۳۰۴ فقره) از جرایم توسط وارد شدگان در سن ۱۶ سالگی و ۱۲ درصد (۱۱۲ فقره) از جرایم توسط وارد شدگان در سن ۱۵ سالگی، ۴/۳٪ (۴۰ فقره) از جرایم توسط وارد شدگان در سن ۱۳ سالگی و ۱/۱ درصد (۹ فقره) از جرایم توسط افراد ۱۲ ساله و ۱/۳ درصد (۱۱ فقره) از کل جرایم توسط کودکان ۱۱ ساله و پایینتر انجام شده‌است.

علت‌شناسی بزهکاری

در قرن نوزدهم دو مفهوم در مورد علت‌شناسی بزهکاری در مقابل هم قرار گرفتند.

اول: این مفهوم که بزهکاری حاصل يك عامل ارثی است و منشأ بدنی دارد و مربوط است به نارساییها و یا اختلالاتی که فرد از آغاز با خود به‌همراه دارد و بر این اساس مفهوم جانی بالفطره پایه‌گذاری شد. در مقابل این مفهوم گروهی نیز معتقد

بودند که عامل اجتماعی در ایجاد بزهکاری بی‌نهایت مؤثر است، درحقیقت شعار این گروه را می‌توان در این جمله معروف ویکتور هوگو خلاصه کرد که:

«هر مدرسه‌ای که باز می‌شود در حکم زندانی است که بسته می‌شود.» در مجموع به‌طور کلی به ۲ گروه از علل مربوط به بزهکاری مختصراً اشاره می‌شود.

گروه اول که به عوامل بزه‌زای داخلی معروفند و شامل کلیه عوامل انسانی و روانی اعم از ساختمان بدن، طرز کار غدد داخلی، بیماری‌های جسمی و عضوی و مغزی می‌باشد. در صورتی که عوامل خارجی در خارج از شخص انسان قرار دارد و شامل کلیه تأثیرات ناشی از محیط اعم از محیط خانوادگی، وضع اجتماعی، وضع اقتصادی و... می‌باشد.

در مورد گروه اول، می‌توان به این مباحث اشاره کرد:

۱- وراثت: یکی از عواملی که شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفته است، عوامل ارثی است که در این رابطه به یافته‌های به‌دست آمده در مورد وجود یک کروموزوم جنسی اضافه به نام Y اشاره شده است که اختلالات ناشی از آن می‌تواند فرد را بیمار کند.

۲- عوامل غیر ارثی که حدها فصل بین عوامل ارثی و اکتسابی است. مثلاً عوامل تأثیرگذار مانند سوء تغذیه مادر، استعمال الکل و مواد مخدر و نظایر آن در دوران ۹ ماه زندگی جنینی.

۳- اختلالات روانی: معمولاً نوجوانانی که مبتلا به اختلالات روانی هستند تحت تأثیر عوامل مختلف از خانواده فرار کرده و مرتکب سرقت، ضرب و جرح و جرائم جنسی می‌شوند.

گروه دوم: عوامل خارجی

بسیاری از افرادی که آمادگی ارتکاب به جرائم را دارند اگر در وضع اجتماعی مناسب رشد نمایند، مرتکب بزه نخواهند شد.

هر چند دانشمندان در مورد علل و درمان رفتار متخلف در دوره نوجوانی موافقت ندارند ولی نکته‌ای وجود دارد که همگی با آن توافق زیادی دارند.

بخشی از این تخلفات از این حقیقت ناشی می‌گردد که: در قانون به نام تخلفات جزیی یا اهانت‌آمیز مربوط به صغر سن تعریف شده است.

این‌گونه تخلفات عبارتند از: فرار از خانه، پرسه‌زنی (در خیابان)، استفاده از نوشیدنیهای الکلی که برای بزرگسالان منع قانونی ندارد ولی برای نوجوانان بی‌حرمتی یا هتک حرمت محسوب می‌شود.

کودک تحت تأثیر همه عواملی که در محیط اطراف او وجود دارد، رشد کرده و همه عواطف، واکنشهای موجود در محیط، مدرسه، معلم، معاشرت با دوستان، شرکت در تفریحات و امور اجتماعی مختلف در تکوین شخصیت طفل مؤثر هستند.

آنچه که در این تعریف به ما کمک می‌نماید، پیشرفت روانشناسی است و لااقل برای آن بزهکارانی که هیچ نوع عامل اجتماعی مستقیم در به‌وجود آوردن بزهکاری آنان سهیم نیست و یا هیچ عامل دقیق ارثی و بدنی در کار نیست، به کمک طرح چگونگی تحولات روانی می‌توانیم راحت‌تر ریشه و منشأ بزهکاری آنان را بیابیم.

دانشمندانی که تحول روانی را به صورتی پیوسته مطالعه کرده‌اند متعدّدند.

در زمینه تحول بهنجار، سازمان روانی از نظر پیاژه از یک پیوستگی کنشی

برخوردار است و همراه با تغییرات ساختی در سه دوره بزرگ تحول می‌یابد:

۱- دوره حسی - حرکتی

۲- دوره تهیه و استقرار عملیات منطقی عینی

۳- دوره عملیات منطقی صوری

حال باید دید در برخورد با محیط این دستگاه به چه صورتی تحول می‌یابد؟

در دوره اول، رفتار انسان حاکی از یک نوع «ناپیروی» است، به این معنی که

دستورهای اخلاقی و آنچه از طرف محیط آمرانه است در واقع از نظر تحول روانی کودک ملحوظ و مرئی نیست و کودک از آنها تبعیت نمی‌کند. در دوره دوم به تدریج حالت «دیگر پیروی» جانشین ناپیروی نخستین می‌گردد به عبارت دیگر پس از یک سلسله مقدمات، کودک به تدریج به یک واقع‌بینی اخلاقی می‌رسد. این واقع‌بینی به این صورت است که کودک محتوی ذهنی خود را یعنی اوامر بزرگسالان را خارج از خود می‌داند و به صورت اشیاء مستقل به آنها می‌نگرد به این معنی که در اراده بزرگسالان مداخله ذهنی نمی‌کند، می‌داند که آنچه بزرگسالان گفته‌اند معمولاً باید درست و قابل قبول باشد. این نکته بخصوص در تحول بازیهای قاعده‌دار که قاعده همیشه از طرف بزرگسالان داده شده و اگر تغییری داده شود باز به دست بزرگسالان است کاملاً قابل مشاهده است.

اگر یک جنبه واقع‌نگری ناشی از تحول عقلی کودک در این دوره آشکار است، جنبه دیگر آن که منشأ انفعالی دارد، فشار و الزامی است که از جانب بزرگسالان برای قبول شرایط اخلاقی اعمال می‌شود.

بزرگسال، در حدی که موضوع الزام و اجبار و یا ترس کودک واقع می‌شود به منزله عقل و تدبیر و قدرت است. به همین دلیل تمام دستورات وی برای کودک جنبه الزامی به خود می‌گیرند. تنها در دوره سوم است که اخلاق «خود پیروی» بر اساس تقابل استوار می‌شود.

یعنی فرد این بار دستورات اخلاقی را که بین او و سایرین هماهنگ شده باشند قبول می‌کند. این مرحله خودپیروی، مرحله‌ای پیشرفته و در واقع نهایی است، چرا که حس اخلاقی در کودک به تدریج در جهت طبیعی تحول می‌یابد و به شکلی که در بزرگسال وجود دارد پدیدار می‌گردد.

این تحول در جهت اجتماعی شدن تدریجی رفتار است.

گسترش تقابل در کودک معادل خودمختاری و خودپیروی اخلاقی است. پیازه نشان داده‌است که خودپیروی اخلاقی و مفهوم تقابل هنگامی ظاهر می‌شوند که احترام متقابل به حدی است که فرد در خود حس می‌کند باید با دیگران چنان رفتار کند که خود مایل است آنان با «وی» رفتار کنند. طبیعی است که باید دید در چه محیطی و در چه شرایط اخلاقی پرورش یافته یا مراحل ناپیروی، دیگر پیروی و خودپیروی را چگونه طی کرده‌است. اینجاست که نقش خانواده به‌عنوان کوچکترین واحد اجتماعی ولیکن هسته اصلی جامعه، مشخص می‌گردد.

خانواده نخستین نظام نهادی است که برای رفع نیازمندیهای حیاتی انسان و نیز بقای جامعه ضرورت تمام دارد. و اما آلودگیهای خانوادگی می‌تواند از عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان باشد. این آلودگیها عبارتند از:

۱- بزهکاری یکی از اعضای خانواده: کودک و نوجوان نگرشهای اجتماعی را از خانواده می‌آموزند و چنانکه یکی از والدین، آلودگی داشته‌باشد، فرزندان آنها بیش از هر کس در معرض خطر آلودگی قرار خواهند گرفت. چرا که زشتی عمل خلاف در نزد فرزندان از بین رفته و در صورت بروز شرایط مساعد، انجام و تکرار اعمال مشابه توسط فرزندان صورت می‌گیرد.

بعد از والدین، بزهکاری و جرائم سایر افراد خانواده ممکن است برای فرد مشکلاتی را به‌وجود آورد. ازجمله این آلودگیها می‌تواند، اعتیاد، سرقت و یا سایر جرائم باشد.

۲- ناسازگاری و نابسامانی خانواده:

الف - خشونت پدر (والدین):

اگر در مقابل رفتارهای معصومانه کودک، عکس‌العمل مناسب و حساب شده از سوی والدین صورت نگیرد و پاسخهای داده شده، بی‌ربط، ترساننده و همراه با خشونت و بددهانی باشد، در واقع زمینه انحراف روحی و فکری در وی به وجود خواهد آمد. در این میان کمبود محبت از سوی والدین غالباً یکی از عوامل بسیار قوی است که نوجوانان را به سوی بزهکاری می‌کشاند.

۳- اختلافات خانوادگی:

اختلافات والدین و سرزنش و خرده‌گیری دائمی، پرخاشگری و مشاجره دائمی بین آنان نیز اثر سوئی بر همه اعضای خانواده خواهد داشت.

این‌گونه ناسازگاریها باعث عدم آرامش روانی فرزند شده و دائماً مضطرب و پریشان‌خاطر است و همین مسئله حتی گاه باعث فرار نوجوان از محیط خانواده می‌شود که بسیاری از این نوجوانان نیز پس از فرار، به وادی فساد کشانده می‌شوند.

۴- قیود خانوادگی:

هر چه در خانواده سلامت روانی و فرهنگی کمتر باشد و پایبندی اولیاء به قیود اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی کم‌رنگ‌تر باشد، احتمال آلودگی هر یک از اعضای خانواده، بیشتر است.

از جمله عدم حضور پدر و یا حضور وی ولی توأم با بیکاری و یا بیماری که منجر به اجبار ما در برای اشتغال به کار و ایجاد خستگی و بی‌حوصلگی در برخورد با فرزندان نماید، می‌تواند زمینه‌ساز بزهکاری باشد.

از طرف دیگر فقدان والدین و یا فوت والدین می‌تواند آنان را در مقابل اذیت و آزار سایرین به عنوان سرپرست قرار دهد که این خود نیز از جمله علل ارتکاب به جرم خواهد بود.

طلاق و جدایی والدین نیز عموماً یادآور دوران تیره زندگی فرزندان است.

تأثیر شوم این پدیده بیشتر متوجه اطفال و نوجوانان است.

۵- وضعیت اقتصادی:

از جمله علل مؤثر خانوادگی در بزهکاری که می‌بایستی مورد بحث قرار گیرد وضعیت اقتصادی خانواده و درآمد ماهیانه آن جهت گذراندن امور می‌باشد، چرا که فقر و درماندگی و تهیدستی را می‌توان مبنای بزهکاری بالاخص بروز جرائم مالی دانست.

طرح پژوهش:

طرح موردنظر در این تحقیق تجربی می‌باشد. به عبارت دیگر بررسی عوامل مؤثر خانوادگی در بزهکاری نوجوانان ایرانی می‌باشد.

سؤالات تحقیق در این طرح عبارتند از:

- ۱- طلاق والدین تا چه حد در بزهکاری نوجوانان مؤثر است؟
- ۲- آیا بی‌سوادی و تحصیلات کم والدین در بروز بزهکاری در نوجوانان مؤثر است؟
- ۳- آیا تنبیه نوجوان به عنوان عاملی در بروز بزهکاری مؤثر است؟
- ۴- تبعیض قایل شدن بین نوجوانان در خانواده تا چه حد در بروز بزهکاری مؤثر است؟

جامعه آماری:

جامعه آماری در این تحقیق شامل؛ بزهکاران پسر مستقر در کانون اصلاح و تربیت می‌باشد که به عنوان نمونه در این تحقیق انتخاب شده‌اند.

حجم نمونه:

تعداد کل آزمودنیهای مورد مطالعه در این تحقیق ۳۰ نفر بوده است. این ۳۰ نفر از بین پسران بزهکار انتخاب شده‌اند.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق:

روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش علمی توصیفی است و از آنجا که به دنبال کسب اطلاعات عمیق می‌باشیم، لذا افراد نمونه از بین جامعه پسران بزهکار به‌طور کاملاً تصادفی انتخاب و مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

ابزارهای پژوهش:

در این تحقیق از یک پرسشنامه (ابزار) استفاده شده است.

این پرسشنامه شامل مجموعه‌ای از ۳۰ سؤال مربوط به مشخصات فردی و خانوادگی نوجوانان بزهکار بوده است.

نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات:

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات روش استقرایی می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش استقرایی، بزهکاران پسر از قبل طبقه‌بندی نشده‌اند بلکه براساس داده‌های به‌دست آمده به طبقه‌بندی افراد نمونه (بزهکاری پسر) براساس نوع و میزان بزهکاری پرداخته شده است.

جدول شماره ۱

توزیع فراوانی برحسب محل تولد

محل تولد	f	درصد
تهران	۲۱	۷۰
خمین	۱	۳/۳
مراغه	۱	۳/۳
آبادان	۲	۶/۶
لرستان	۲	۷
مشکین شهر	۱	۳/۳
نیشابور	۱	۳/۳
همدان	۱	۳/۳
جمع	۳۰	۱۰۰

تبیین جدول شماره ۱:

طبق جوابهای داده شده بیشترین فراوانی را تهرانیها به خود اختصاص داده که ۷۰ درصد کل افراد نمونه را تشکیل می‌دهد. سپس آبادان و لرستان هر دو ۷ درصد، و دیگر شهرهای نامبرده شده طبق جدول هر کدام ۳/۳ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۲

توزیع جدول برحسب سن

سن آزمودنی	f	درصد
۱۴	۱	۳
۱۵	۴	۱۳
۱۶	۵	۱۷
۱۷	۱۷	۵۷
۱۸	۳	۱۰
جمع	۳۰	۱۰۰

تبیین جدول شماره ۲:

به طوری که از جدول برمی آید ۳۳ درصد کل افراد گروه زیر سن ۱۶ سال می باشند. به نظر می رسد که سالهای بحران از حدود ۱۴ سالگی شروع تا ۱۶ سالگی استمرار دارد. و از ۱۶ سالگی به صورت شتابزده ای بحرانیتز می گردد و تعداد زیادی را شامل می شود.

جدول شماره ۳

توزیع فراوانی افراد جامعه بر حسب نحوه زندگی والدین و درصد کل

درصد	f	نحوه زندگی
۲۷	۸	طلاق
۲۰	۶	فوت والدین
۵۳	۱۶	زندگی مشترک
۱۰۰	۳۰	جمع

تبیین جدول شماره ۳:

بنا بر پاسخهای داده شده می توان گفت: که ۲۷ درصد از آزمودنیها در خانواده های طلاق گرفته و جدا شده زندگی می کنند و ۵۳ درصد از بزهکاران نمونه به همراه والدین زندگی می کنند.

جدول شماره ۴

توزیع فراوانی افراد جامعه برحسب نوع بزه و درصد کل

نوع بزه	f	درصد
سرقت	۱۱	۳۶/۶
مواد مخدر	۶	۲۰
عمل لواط	۱	۳/۶
کلاهبرداری	۶	۲۰
جیب‌زنی	۲	۶/۶
دعوا	۲	۶/۶
خیانت در امانت	۲	۶/۶
جمع	۳۰	۱۰۰

تبیین جدول شماره ۴:

بنا بر جوابهای داده شده می‌توان گفت که بزه‌کارانی که عمل سرقت مرتکب

شده‌اند ۳۶/۶، بعد از آن ۲۰ درصد ارتکاب به قاچاق مواد مخدر، کلاهبرداری، و ۶/۶

درصد جیب‌زنی، دعوا، خیانت در امانت مرتکب شده‌اند.

جدول شماره ۵

توزیع فراوانی برحسب مسائل خانوادگی و درصد کل

درصد	f	مسائل خانوادگی	
۱۶/۶	۵	کافی نبودن خرجی	اختلافات والدین
۲۰	۶	نداشتن توافق اخلاقی	
۳۶/۶	۱۱	جمع	
۱۰	۳	خشونت پدر	مشکلزایی پدر
۱۶/۶	۵	اعتیاد پدر	
۱۰	۳	خیانت پدر	
۱۶/۶	۵	بیکاری پدر	
۵۳/۲	۱۶	جمع	
۶/۶	۲	خشونت مادر	مشکلزایی مادر
۳/۳	۱	اعتیاد مادر	
۶/۶	۲	خیانت مادر	
۱۶/۵	۵	جمع	
۲۰	۶	بدون اختلاف	
۶/۶	۲	بی اطلاع	
۱۰۰	۳۰	جمع کل	

تبیین جدول شماره ۵:

طبق این جدول ۵۳/۲ درصد مربوط به مشکلزایی پدر بوده، ۱۶/۵ درصد نیز

مربوط به مشکلزایی مادر و ۲۰ درصد از کل نمونه بدون اختلاف هستند.

جدول شماره ۶

توزیع فراوانی افراد برحسب وضعیت اشتغال و درآمد پدر یا سرپرست

وضعیت اشتغال	f	درصد
آزاد	۱۲	۴۰
بخش دولتی	۸	۲۶/۸
بخش خصوصی	۵	۱۶/۶
بیکار	۵	۱۶/۶
جمع	۳۰	۱۰۰
میزان درآمد	f	درصد
بیکار	۵	۱۶/۶
کمتر از ۲۰ هزار تومان	۶	۲۰
بین ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان	۵	۱۶/۶
بین ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان	۹	۳۰
بیش از ۷۰ هزار تومان	۵	۱۶/۶
جمع	۳۰	۱۰۰

تبیین جدول شماره ۶:

۴۰٪ والدین یا سرپرست آزمودنیها دارای شغل آزاد بوده و پس از آن بخش دولتی با ۲۶/۸ درصد و بخش خصوصی با ۱۶/۶ درصد را به خود اختصاص داده‌اند، ۱۶/۶ درصد آزمودنیها نیز پدر یا سرپرستشان بیکار بوده‌است. همچنین درآمد ماهانه ۳۰٪ درصد از والدین یا سرپرست آزمودنیها بین ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان می‌باشد که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌است و بعد از آن درآمد کمتر از ۲۰ هزار تومان ۲۰ درصد را به خود اختصاص داده‌است.

جدول شماره ۷

توزیع فراوانی افراد (والدین) و آزمودنی بر حسب وضعیت تحصیل

وضعیت تحصیل	پدر	درصد	مادر	درصد	آزمودنی	درصد
بی سواد	۹	۳۰	۱۴	۴۶/۶	۳	۱۰
ابتدایی	۱۳	۴۳/۴	۹	۳۰	۹	۳۰
راهنمایی	—	—	—	—	۱۷	۵۶/۷
متوسطه	۶	۲۰	۶	۲۰	۱	۳/۳
دانشگاهی	۲	۶/۶	۱	۳/۳	—	—
جمع	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰

تبیین جدول شماره ۷:

طبق جدول شماره ۷، ۴۳/۴ درصد پدران آزمودنیها تحصیلاتی در سطح ابتدایی داشتند و ۳۰ درصد آنها بی سواد هستند و ۴۶/۶ درصد مادران آزمودنیها بی سواد بوده و ۳۰ درصد آنها سوادشان در سطح ابتدایی هستند.

جدول شماره ۸

توزیع فراوانی بر حسب تنبیه بدنی و تبعیض آزمودنی توسط والدین

تنبیه بدنی	f	درصد	تبعیض	f	درصد
خیر	۷	۲۳/۳	خیر	۸	۲۶/۶
بله	۲۳	۷۶/۶	بله	۲۲	۷۶/۲
جمع	۳۰	۱۰۰	جمع	۳۰	۱۰۰

تبیین جدول شماره ۸:

با توجه به پاسخهای داده شده می توان گفت ۷۶/۶ درصد آزمودنیهای درخانه

توسط والدین و دیگر افراد مورد تنبیه بدنی قرار می‌گیرند و هم‌چنین از بین ۳۰ نمونه انتخاب شده ۷۳/۳ درصد ابراز داشتن که در خانواده مورد تبعیض اعضاء بخصوص والدین خود قرار می‌گیرند که این دو می‌تواند عامل مهمی باشد.

تجزیه و تحلیل تحقیق:

از نتایج تحقیق چنین برمی‌آید که تحصیلات پایین پدر و مادر عاملی مؤثر در بروز بزهکاری نوجوانان می‌باشد.

در بین جامعه آماری به دست آمده ۷۳/۴ درصد بزهکاران بیان نموده‌اند که پدرشان و حدود ۷۶/۶ درصد بیان نموده‌اند که مادرشان بی‌سواد و کم‌سواد بوده‌اند.

تحصیلات می‌تواند سطح آگاهی و بینش افراد را بالا برده و دید آنها را نسبت به مسائل تربیتی و اجتماعی بازتر و وسیعتر نماید. و این شناخت را به فرزندان خود نیز منتقل نمایند. در نتیجه از بروز نابهنجاریها جلوگیری به عمل می‌آید.

بنابراین فرضیه ما مبنی بر این که بی‌سواد و کم‌سواد می‌تواند نقش مؤثری در بروز بزهکاری نوجوانان داشته باشد ثابت گردید.

عامل دیگر در بروز بزهکاری وجود تنبیه بدنی در این نوع خانواده‌هاست. خانواده‌ها به دلیل عدم آگاهی از مبانی تربیتی از تنبیه بدنی به عنوان یک ابزار تربیتی استفاده کرده‌اند. که این خود باعث گسستن بیشتر روابط عاطفی فرزندان با خانواده‌ها شده و او را به سمت گروههای خلافکار سوق می‌دهد.

نوجوانان با پناه بردن به این گروهها می‌خواهند نیازهای عاطفی خود را در این گروهها ارضاء کرده و موقعیت مناسبی را کسب کنند.

در پی کسب این موقعیتها و ارضای نیازها و کسب احترام در گروه همسالان نوجوان به بزهکاری روی می‌آورد.

اکثریت این نوجوانان بی‌توجهی خانواده به آنان و وجود تبعیض را در خانواده عامل مهمی در بزهکاری خود می‌دانند. و از تبعیضی که خانواده در مورد آنها روا داشته شکایت دارند. وجود تبعیض در خانواده نوجوانان را پرخاشگر، ناسازگار و انتقامجو بار می‌آورد.

طلاق و به هم خوردن کانون گرم خانوادگی یکی از عوامل مهم در اختلالات رفتاری و بزهکاری نوجوانان می‌باشد.

گرچه در این تحقیق طلاق عامل اساسی نبود اما در کنار عوامل دیگر تأثیر زیادی در بزهکاری این نوجوانان داشته است.

در رابطه با مسائل تأثیر خانواده و محیط خانوادگی در بزهکاری نوجوانان و جوانان می‌توان به این نتیجه رسید که مهمترین عامل مؤثر در بزهکاری، خانواده و روابط والدین با نوجوانان و جوانان می‌باشد.

اگر در خانواده روابط صحیح باشد و والدین با تفاهم و همدلی به نوجوانان کمک کنند و در مسائل زندگی یار و یاور آنان باشند. نوجوانان به کچ‌روی نخواهند گرائید و در نتیجه منحرف نخواهند شد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عوامل تربیتی، خانوادگی، اجتماعی در میزان بزهکاری تأثیر مستقیم دارند. عوامل اجتماعی و محیطی تأثیر مستقیم و مؤثری در میزان بزهکاری می‌تواند داشته باشد. تضاد فرهنگی و عدم انطباق فرهنگ جامعه با معیار افراد تازه‌وارد و یا مهاجر خود دلیل قاطع در بزهکاری و بالا بردن میزان نابهنجاری و قانون‌شکنی است.

پیشنهادهات:

با توجه به فرضیه‌های تحقیق پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

(۱) تعلیم و تربیت همگانی باشد و امکانات آن در نقاط مختلف با توجه به ویژگیهای فرهنگی جغرافیایی و اقتصادی مناطق مختلف کشورمان تطبیق یابد.

- ۲) ایجاد مراکز مشاوره در مناطق آ.پ به منظور ایجاد هماهنگی و بالا بردن کیفیت خدمات ارائه شده از سوی مشاوران و مددکاران اجتماعی.
- ۳) تشکیل جلسات مداوم انجمن اولیاء و مربیان و مطرح نمودن نکات تربیتی به ویژه تشویق و تنبیه در جلسات اولیاء و مربیان و ترغیب والدین و معلمان به حذف تنبیه‌های بدنی و اتخاذ شیوه‌های مؤثر تنبیه و تشویق.
- ۴) تأسیس و گسترش باشگاه‌های ورزشی دولتی و امکاناتی از قبیل زمین بازی، استخر، سالنهای نمایش و ترغیب نوجوانان جهت مشارکت در این برنامه‌ها.

منابع

- Edward F. Zigler "children in a changing world". Brook/Cole P. C (1993)
- Newman, Philip R. "childhood and adolescence". Brooks/Cole P. C (1997)
- Jones, Brian. J. "social problems" 1998, by Mc Graw - Hill.
- Michael, Rutter. "child and adolescent psychiatry" 1985. Blak well science Austria.
- ۱- احمدی، احمد «روانشناسی نوجوانان و جوانان» انتشارات مشعل، ۱۳۷۴
- ۲- دانش، تاج‌زمان «اطفال و جوانان بزهکار» خدمات فرهنگی رسال، ۱۳۷۴
- ۳- شامبیاتی، هوشنگ «بزهکاری اطفال و نوجوانان» انتشارات ویستار ۱۳۷۵
- ۴- منصور، محمود «زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان» انتشارات چهر، ۱۳۵۱